

به نام خدا

فراماسونری و تاریخچه ی نفوذ آن در
خاور میانه

تهیه شده در

تالار کنفرانس مهدویون

گردآوری و نگارش

امیر حسین جمشیدی

amir.jamshidi@outlook.com

مقدمه

فراماسونری در قالب انجمنی سری از صدها سال پیش تا کنون به فعالیت خود ادامه میدهد! اما بسیاری از مردم جهان هنوز با این انجمن و علائم های آن آشنا نیستند! حتی واتیکان نشینان! اما در این چند سال اخیر به دلیل گسترش فعالیت های این انجمن (به خصوص در خاور میانه) علائم و مشخصه های معماری بیشتر نمایان شده است!

بنده نیز برای آشنا کردن مسلمانان اعم از شیعه و سنی با این انجمن که در حال فراهم کردن مقدمات ظهور دجال است، بر آن شدم تا در بیشتر کردن آگاهی شما دوستان عزیز از توطئه ای که برای مسلمان و مسیحی در حال وقوع است بکوشم!

در روند پژوهش های خود کتاب های زیادی را بررسی نمودم! اما کتاب تبار ابلیس به قلم سید وحید حسینی را بسیار مفید یافته و مطالعه ی آن را برای اشخاصی که قصد آشنایی با این انجمن به طور کامل و مفصل هستند، توصیه میکنم!

در این پژوهش مطالبی عنوان میشود که نشان دهنده ی تلاش های جبهه ی باطل در نبرد پایانی است! آیا مسلمانان نباید برای پیروزی جبهه ی حق در برابر باطل تلاش کنند؟ آیا مسلمانان از تاریخ که بر پیشینیانشان گذشته است درس نگرفته اند!؟

لحظه ی موعود هنگامی فرامیرسد که هیچ کس آمادگی آن را ندارد!

با مطالعه ی این مقاله آشنایی مختصری با اصحاب شیطان پیدا کرده و برای جنگ نهایی حق و باطل آماده تر شوید!

با آرزوی موفقیت برای شما عزیزان

یا مهدی (عج)

سوال: فراماسونری به چه معناست؟

عبارت "فراماسونری" به معنای "سازنده یا بنیان آزاد" است. "فراماسون ها" یا "ماسون ها" کسانی هستند که در یکی از محافل یا سازمان های فراماسونری عضویت دارند!
و علامت آن در عکس زیر مشخص شده است!



سوال: دلیل راز الوده بودنشان در چیست؟

در سال های اولیه ی پیدایش فراماسونری، این واژه به استادان بنا اطلاق میشد که میان طبقات دیگر جامعه به واسطه ی دانش و حرفه و صنعت ساختمان اهمیت داشتند! اسرار و ریزه کاری های دانش و فن خود را از افراد بیگانه پنهان میکردند تا نیاز جامعه به کار و فن آنها تداوم ببخشند و همواره دارای قدرت و نفوذ اربابان قدرت سیاسی و اقتصادی جامعه باشند! به همین دلیل روز به روز جمعیت و طبقه ی آن ها لایه های پنهان بیشتری پیدا میکرد!

سوال: چرا به آن ها لقب "آزاد" دادند؟

چون در کارشان آزادی عمل بیشتری داشتند! به هر کجا که نیازمند فنون آن ها بود سفر میکردند و بدون کمترین مانعی به ساخت و ساز میپرداختند! آن ها از پرداخت مالیات معاف بودند و از همه مهمتر اینکه مسئولیت ساختن معابد را بر

عده داشتند که همین امر موجب قداست ان ها در دیگر اقشار جامعه میشد!

سوال: مکان استقرارشان کجا بود؟

چون کار ساخت و ساز بناها طولانی میشد آن ها مجبور بودند با وسائل ساخت و سازشان در آن شهر یا روستا اقامت داشته باشند. به همین منظور در کنار آن روستا اتاقک هایی را با حداقل امکانات را برای خود آماده میکردند که به ان ها "لژ" میگفتند!

امروزه به محافلی که اجلاس های ماسونری در آن برگزار میشود "لژ" میگویند!



سوال: تشکیلات فراماسونری از کی تشکیل شد؟

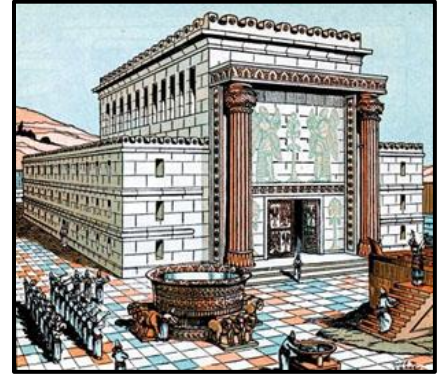
دقیقا مشخص نیست ولی ادعا هایی عجیب در میان مردم رواج دارد. مثلا انگلیسی ها خود را مادر فراماسونری جهان میدانند. اما بسیاری آغاز این تشکیلات را به عهد قدیم نسبت میدهند! عده ای آن را متعلق به مصر باستان و عده ای آن را منتسب به زمان حضرت آدم میدانند! برخی از ماسون های روسی نیز معتقدند که سنگ بنای فراماسونری در زمانی نهاده شد که سلیمان نبی(ع) اقدام به ساخت معبد معروف خود به نام "هیكل سلیمان" کرد و بعضی دیگر پیشینه ی آن را به زمان فیثاغورس نسبت میدهند!

عده ای هم پیدایش آن را به زمان جنگ های صلیبی و افراد گروه "شوالیه ی معبد" نسبت میدهند.

فیثاغورث



نمایی فرضی از هیكل سلیمان



نمایی فرضی از شوالیه معبد



محتملترین بنیانگذاران: شوالیه های معبد

نظام شوالیه‌های معبد یا نام کاملشان: «همر زمان مسکین عیسی مسیح و معبد سلیمان» در سال 1118 میلادی (بیست سال پس از اشغال اورشلیم) توسط صلیبیان تشکیل شد. مؤسسان این طبقه، دو شوالیه‌ی فرانسوی به نام «هیو دِپینز» و «گادفری دِسنت اُمر» بودند. این دسته در ابتدا نه عضو داشت اما به تدریج رشد کرد. علت انتخاب نام «معبد سلیمان» برای گروه، مکانی بود که به عنوان مقر انتخاب کرده بودند. آن‌ها در کوه معبد، در مکان معبد ویران شده، سکنی گزیدند. این همان محلی بود که صخره‌ی مقدس در آن قرار داشت (محل قبه الصخره). آنان خود را سربازان مسکین نام نهادند اما در اندک‌زمانی، بسیار ثروتمند شدند. زائران مسیحی که از اروپا به فلسطین می‌آمدند، تحت کنترل کامل این گروه بودند و در نتیجه با پول زائران به ثروت هنگفتی دست یافتند. نگهبانان معبد، عامل اصلی حملات بعدی صلیبیان به مسلمانان و کشتار آن‌ها به شمار می‌رفتند. به همین علت «صلاح الدین ایوبی» فرماندار بزرگ اسلام در سال 1187، لشکر صلیبیان را در جنگ «حِطّین» شکست داد و اورشلیم را آزاد کرد و شوالیه‌های معبد را به خاطر جنایاتشان به ظلمات مرگ سپرد. در حالی که پیش از این، بسیاری از مسیحیان را عفو کرده بود شوالیه‌های معبد با وجود آن‌که اورشلیم را از دست داده و خسارات زیادی متحمل شده بودند و همین‌طور با وجود کاهش روزافزون حضور مسیحیان در فلسطین، به حیات خود ادامه دادند و بر قدرت خود در اروپا افزودند و ابتدا در فرانسه و سپس در سایر کشورها، بخشی از دولت شدند.

تردیدی نیست که قدرت سیاسی آنان، پادشاهان اروپا را پریشان خاطر نمود. اما جنبه‌ی دیگری از شوالیه‌های معبد، روحانیت کلیسا را آشفته می‌کرد و آن این که شوالیه‌های معبد به تدریج از دین مسیح برگشته بودند و زمانی که در اورشلیم حضور داشتند، عقاید سری ناشناخته‌ای اختیار کرده بودند. شایعه‌هایی نیز مبنی بر شکل‌گیری تشریفاتی خاص برای تجلی این تعالیم به گوش می‌رسید.

بالاخره در سال 1307 «فیلیپ لیل» پادشاه فرانسه، تصمیم گرفت که اعضای این دسته را دستگیر نماید. در این میان بعضی موفق به فرار شدند اما بیشترشان گرفتار گشتند. در پی يك دوره‌ی طولانی بازپرسی و محاکمه، بسیاری از شوالیه‌ها به عقاید بدعت‌آمیز خود اعتراف نمودند و اقرار کردند که در میان خود به حضرت عیسی (ع) توهین می‌کرده‌اند. سرانجام رهبران شوالیه‌های معبد که «استاد بزرگ» نام داشتند (از جمله «ژاک دِمالی»)، در سال 1314 به دستور کلیسا و پادشاه اعدام شدند بیشتر آن‌ها زندانی شدند و نظام شوالیه‌های معبد پراکنده و رسماً ناپدید شد.

نقاشی از صحنه‌ی اعدام ژاک دِمالی



نشان شوالیه‌های معبد



محاکمه‌ی معبدیان با پایان یافتن رسمی نظام شوالیه‌های معبد، خاتمه یافت اما در واقع این نظام ناپدید نگردید. طی بازداشت‌های ناگهانی سال 1307، بعضی از شوالیه‌های معبد موفق شدند بدون به جا گذاردن ردی از خویش بگریزند. بر

مبنای رساله‌ای با اسناد مستند تاریخی، تعداد عمده‌ای از اعضای این گروه به تنها پادشاهی اروپا که کلیسای کاتولیک را به رسمیت نمی‌شناخت (کشور اسکاتلند) پناه بردند. آن‌ها تحت حمایت پادشاه اسکاتلند «رابرت بروس»، تشکیلات خود را احیا نمودند و اندکی بعد برای ادامه‌ی حیات نامشروع خویش، روش مناسبی یافتند. آن‌ها به مهم‌ترین لژ جزایر بریتانیا در زمان قرون وسطی "لژ وال بیلدرز" نفوذ کرده و ذره‌ذره کنترل آن را به طور کلی در دست گرفتند. این لژ در اوایل عصر مدرن نام خود را به «لژ ماسونی» تغییر داد. لژ اسکاتلند، قدیمی‌ترین شاخه‌ی فراماسونری می‌باشد و به اوایل قرن چهاردهم، زمانی که شوالیه‌های معبد به اسکاتلند پناهنده شدند باز می‌گردد. القابی که به افراد عالی‌رتبه‌ی این لژ داده می‌شد، قرن‌ها پیش‌تر به شوالیه‌های معبد اعطا می‌گردید و این عناوین تا به امروز نیز به کار می‌روند. ماسون‌های اسکاتلندی که وارث میراث اسکاتلند بودند، سال‌ها بعد آن را به فرانسه بازگرداندند و پایه‌های لژ اسکاتلند را بنا کردند. مجله‌ی «معمار سینان» در مقاله‌ای با عنوان «شوالیه‌های معبد و فراماسون‌ها» چنین بیان می‌کند: «تشریفات نظام معبد، شبیه تشریفات فراماسونری امروز است».

سوال: ابزارشان چه بود؟

فراماسونر ها چگونه کار با ابزار را به شاگردان آموزش میدادند. به همین خاطر این ابزار و آلات ساختمانی به درون جلسات آنها راه یافت و با گذشت زمانی اندک به اجزای جدایی ناپذیر لژ های فراماسونری تبدیل شد. ابزاری چون: گونیا، شاقول، چکش، تبر، تیشه، اسکنه.



سوال: چطور گشترده شدند؟

در سده 12 میلادی/7 قمری که ساخت کلیسا ها و جامع، دیر ها و دژ ها در اروپا قوت گرفت، جمعیت و اعتبار بنایان روز به روز بیشتر میشد و توجه اکثر مردم را به خود جلب کرد. به همین دلیل راه برای ورود کسانی که قبل از این نمیتوانستند وارد این سازمان شوند باز شد! افرادی از دیگر مشاغل و همچنین همه ی گروه های پر نفوذ سیاسی و اقتصادی جامعه

سوال: اولین لژ کجا تاسیس شد؟

بعد از مدتی با ورود افراد تازه وارد، تعداد اعضا اینقدر بیشتر شد که تنها اعضایی که در آن شرکت نمیکردند معماران و کارگران و بنایان و ساختمانی بود. یعنی یک نوع جابه جایی در جلسات فراماسونری روی داد! در واقع بنیانگذاران فراماسونری از جلسات فراماسونری حذف شدند! و تمامی مسائل روز به دغدغه ی شبانه روزی آنها تبدیل شد!

این روند ادامه یافت تا اینکه نخستین بار در سال 1717 میلادی/1131 قمری در انگلستان مجمع جهانی ماسونی بر پا شد و با راهنمایی "لژ قدیس پولیس" از تجمیع چهار لژ به نام های "لژ غاز کباب"، "لژ تاج"، "لژ درخت سیب" و "لژ لیوان بزرگ و خوشه انگور"، لژ حرفه ای به نام "لژ بزرگ انگلستان" به وجود آمد که به فاصله ی 16 سال بعد، بر 126 انجمن فراماسونری انگلیسی فرمان راند و بر همه ریاست کرد. در واقع این لژ بزرگ، حکم مادری را بر سازمان فراماسونری انگلستان داشت و همزمان با آن، قانون اساسی فراماسونری هم به تصویب رسید که از جمله مواد آن نبود محدودیت و آزادی عضویت در گروه بنایان آزاد بود. و اعضای فراماسونری دارای حقوق شدند. در پی آن، سازمان فراماسونری به سرعت در دیگر کشور های اروپایی از جمله اسکاتلند، فرانسه، آلمان و اسپانیا ریشه دواند! از جمله اعضای این گروه دانشمندان و متفکران نو بود.

انواع اصلی لژ:

1- لژ آبی: نوعی که فقط سه درجه‌ی اول فراماسونری را اعطا می‌کند که در بریتانیا به این لژ، لژ ساخت می‌گویند. دلیل نام‌گذاری لژ آبی، به خاطر لباس فاخر آبی است که در لژهای فراماسونری قدیمی انگلیسی و ایرلندی استفاده می‌شد.

2- لژ تحقیقاتی: این لژها برای امور تحقیقاتی بورسیه ارائه می‌کنند. تعداد این لژها کم بوده و درجه اعطا نمی‌کنند

3- لژ دستور العمل: این لژها تشکیلات جدا ندارند و وابسته به یک لژ دیگرند. لژهای دستور العمل، فرصت تمرین تشریفات را برای فرد متقاضی دریافت درجه، زیر نظر برادری باتجربه فراهم می‌آورند! سوال: درجات آنها چگونه است؟ سوال: درجات آنها چگونه است؟

فراماسونری دارای 3 درجه است: 1- «شاگرد تازه وارد» (Entered Apprentice) 2- «افزاریار» (Fellowcraft) 3- «استاد بنا» (Master Mason) که یک لژ پس از آموزش، این درجات را به فرد ماسون اعطا می‌کند. ماسون‌ها، هیرام آبیف را پدر معنوی خود می‌دانند و برای او، درجه‌ی استاد بنا قائلند.

با وجود این که درجه‌ای بالاتر از استاد بنا وجود ندارد، درجه‌ای دیگر نیز تحت عنوان قدیمی «والای سلطنتی مقدس» (Holy Royal Arch) نیز دارای اهمیت و قدمت زیادی در بسیاری از سیستم‌های ماسونی مخصوصاً در سه تا از قدیمی‌ترین تشکیلات (Constitutions) ماسونی یعنی «لژ بزرگ انگلیس»، «لژ بزرگ اسکاتلند» و «لژ بزرگ ایرلند» است. به مجموعه‌ی سه لژ بزرگ یاد شده، «لژهای بزرگ خانه» (The Home Grand Lodges) یا «تشیلات خانه» (The Home Constitutions) نیز می‌گویند.



سازمان‌های دیگری نیز وجود دارد که ماسونی شناخته می‌شوند یا در عنوانشان ماسونی بودنشان مشخص می‌گردد. این سازمان‌ها به جذب استاد بناها برای آموزش‌های خاص می‌پردازند. از برجسته‌ترین این سازمان‌ها در برخی کشورها و «رایت (Scottish Rite)» به خصوص ایالات متحده، «رایت اسکاتلندی می‌باشند. (York Rite)» یورکی

رایت» یک سری درجات پشت سر هم است که نهادها و سازمان‌های فراماسونری، آن را به ماسون‌های غالباً استاد بنا اعطا می‌کنند. هر رایت، زیر نظر مرکزی مربوط به خود اداره می‌شود مثلاً فردی که در رایت اسکاتلندی عضو می‌شود و درجات مختلف مخصوص رایت اسکاتلندی را می‌گذراند، فعالیتش زیر نظر مرکز مخصوص به خود این مجموعه خواهد بود که این مرکز برای رایت اسکاتلندی، شورای عالی نام دارد. البته رایت به معنی مناسک، تشریفات و آداب است.

رایت اسکاتلندی، درجاتی به شماره‌ی 4 تا 33 به استاد بناهای عضو، اعطا می‌کند که درجه‌ی فرد در ابتدای عضویت، 3 (معادل استاد بنا) می‌باشد. به تبع، درجات شاگرد تازه وارد و افزاریار از دید این رایت، به ترتیب 1 و 2 می‌باشد. البته حداقل درجه‌ی مورد نیاز برای ورود به این رایت، 3 است. درجه‌ی 3 بالاترین درجه‌ی فراماسونریست پس درجات بعدی به عنوان مکمل درجه‌ی 3 می‌باشد نه این که حکم ترفیع درجه داشته باشد. به درجات پس از 3، درجات اضافی یا جانبی نیز گفته می‌شود. آموزش رایت‌ها برای دریافت درجات بالا، معمولاً آموزش‌های فلسفی است. شایان ذکر است که یک استاد بنا می‌تواند همزمان در چند سیستم مختلف ورود کرده و آموزش ببیند. مثلاً همزمان هم در رایت اسکاتلندی و هم در رایت یورکی عضو باشد.

و اما در مورد رایت یورکی باید اذعان کرد که این مجموعه‌ی ماسونی، از آنجایی که در واقع مجموعه‌ای از سازمان‌های مجزا است که در یک مجموعه‌ی بزرگ قرار گرفته‌اند، هر نهاد زیرمجموعه، تا حدی خودمختار عمل می‌کند ولی در کل، همه‌ی این نهادها زیرمجموعه‌ی رایت یورکی هستند و ممکن است

ماسونی عضو یک نهاد باشد ولی عضو نهاد دیگری نباشد با این حال در کل، او عضوی از رایت یورکی است. رایت یورکی 10 سطح به جز 3 درجه‌ی اصلی دارد.



درجات رایت:

درجات	نهاد	درجات	توضیحات
I°	لژ (نهاد درجات سائین)	شاگرد تازه وارد	
II°		افزاریار	
III°		استاد بنا	
IV°	شعبه (نهاد درجات مدھی)	استاد نشان	
V°		استاد برتر	
VI°		عالی ترین استاد	
VII°		والای سلطنتی	
VIII°	شورا (نهاد درجات سیری)	استاد سلطنتی	
IX°		استاد برگزیده	
IXa°		فوق عالی ترین استاد	
X°	فرماندهی شامل دیرها (نهاد درجات شوالیه ای)	نظام صلیب سرخ	
XI°		نظام مالت	
XII°		نظام شوالیه های معبد	

سوال: شعارشان چی بود؟

تحولات اروپا در سده 18 میلادی/11 قمری و دگرذیسی های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی که پس از انقلاب فرانسه در اکثر کشورهای اروپایی به وجود آمد مقدمات اساسی را برای پیشرفت و گسترش فراماسونری در جهان فراهم آورد. این تحولات با نوعی درگیری اجتماعی میان طبقه ی اشراف کهنسال و رهبران کلیسا در یک سو و طبقه ی تازه تاسیس دیگری به نام "بورژوا" آغاز شد که هر کدام از آن ها از پشتوانه هایی بهره میجستند. اولی به خاندان های بزرگ و کلیسا وابسته بود و دومی بر توان فنی و ابزار و آلات تکیه میکرد که محصول انقلاب فکری ساخته ی دست خود بود. این درگیری به سود بورژوا تمام شد و اشراف کهنسال از میدان رفتند. این جابه جایی که نظام اجتماعی را برهم زد، بیش از هر چیزی به آزادی و تنوع نیاز داشتو برابری طبقات اجتماعی در استفاده از حقوق اولیه را میخواست. بنابراین شعار "آزادی و برابری" سر لوحه مبارزات اجتماعی قرار گرفت. این طبقه شعار دلفریب "آزادی و برابری" را در همه ی زمینه ها، به ویژه در امور "تجارت و بازرگانی" میداد و با دادن شعار "آزادی تجارت و عبور و مرور"، زمینه را برای رواج امپریالیسم اقتصادی مهیا کرد.

شعار هر دو طیف همسوی هم بود. آزادی و برابری. دو شعار بورژوا و فراماسون ها با وجود این شعار های ظاهری و پر طمطراق طولی نکشید که سازمان فراماسونری در اروپای جدید به مرکز گردهمایی برجسته ترین چهره های طبقه ی بورژوا تبدیل شد. شمار فراوانی از اندیشمندان سردمداران تفکرات نو، مخالفان حکومت ها و اشراف با انجمن های فراماسونری جهانی پیوند نزدیک برقرار کردند. چنین اقبالی از سوی طبقه ی مزبور، خیلی زود راه را برای پیشرفت فراماسونر ها هموار کرد و با سر دادن شعار های عامه پسند، مدت زمان کوتاهی برایشان بستر های مناسبی را برای تکاپو دامنه دار فراماسون گری در کشور های دیگر آماده کرد!



فراماسونری در مصر

چگونه فراماسونري وارد مصر شد؟

فراماسونري را ناپلئون بناپارت و يورش او در پايان سده 18 ميلادي وارد مصر با خود به كرد. او در حمله 1798 ميلادي به ان کشور، شماری از ماسون ها را قاهره برد که در میان آن ها ژنرال کلبر از ماسون هاي شناخته شده هم فرانسوي بود. او توانست با کسب اجازه و تاييد از "لژ شرق اعظم فرانسه" نخستين لژ ماسوني در قاهره (پایتخت مصر) را با نام "لژ ایزيس" تاسيس کند! این لژ تا 14 ژوئن 1800 که کلبر به قتل رسيد پا بر جا بود. اما به درستي معلوم نيست که ايا از مصريان کسي هم در ان عضویت داشت يا نه!

ناپلئون



انواع لژ ها در مصر:

حدود 30 سال بعد به سبب اهميتي که شهر اسکندريه در کنار دريای مدیترانه پیدا کرده بود، مورد توجه ماسون ها قرار گرفت و عده اي از فراماسونر هاي ایتالیایی لژی به شیوه ي اسکاتلندي در آن بنا کردند. در سال 1838 میلادي بار دیگر فرانسویان توانستند لژ دیگری به نام "مفیس" را در مصر به راه بیندازند و همین روند را با تاسیس "لژ اهرام" در 1845 تداوم بخشیدند. تا این زمان ماسون های مصري کم تعداد و از اینکه نامشان را آشکار سازند هراسان بودند، اما در لژ اهرام علاوه بر وابستگان فرقه های مختلف، شاهزاده هایي چون عبد احلیم پسر محمد علي پاشا نیز عضویت داشتند که همین امر روز به روز بر گسترش آن یاری رساندند! طوری که سازمان های فراماسونري اسکاتلندي، فرانسوي و انگلیسي مجامع متعددي را در شهر های مختلف مصر به راه انداختند و بسیاری از مصریان را در آن ها پذیرفتند

سازمان ماسونري در مصر:

کم کم بسیاری از دانشمندان و اعیان مصر به عضویت لژ های ماسونري درآمدند. در سال 1876 میلادي سازمان مصري با نام "شرق اعظم وطني مصر" تشکیل شد و به عنوان لژ مادر، همه ي لژ های مصري را گرد خود جمع کرد. سال بعد توفیق پاشا (امیر مصر) را هم به ریاست خود برگزیدند. هر چند او در جلسات ان حضور نمیافت و به نیابت از او حسین فوزي پاشا سرپرست حق گستري (وزیر دادگستري) بر لژ شرق اعظم وطني مصر ریاست میکرد. مدتی پس از او هم ریاست لژ شرق اعظم وطني مصر را فردي به نام "ادریس بیک راغب" به عهده گرفت که از شخصیت های مرموز و مشکوک مصر به شمار میرفت! او 30 سال در این سمت بود تا اینکه در اواخر سپتامبر 1922 به همراه معاون و 17 عضو دیگر از سمت خود کناره گیری کرد. پس از او شاهزاده محمد علي راي آورد و به ریاست لژ مزبور نشست!

ادريس بيگ راغب



شاهزاده محمد علي



پيشرفت هاي اين لژ:

در اين زمان ماسون هاي مصري مجله اي به نام "مجله الطايف" به معني لطيفه ها داشتند كه خبر هاي مربوط به جمعيت شان در آن چاپ ميشد. در 1942 مجله ي ديگري به نام "الايام" خبر هاي ماسونري را در مصر منتشر ميكرد.

سقوط ماسونر ها در مصر:

تکاپو ها و جنبش هاي فراماسونر گري در مصر تا اوريل 1964 ادامه داشت. ولي در اين تاريخ حکومت مصر فرمان داد همه ي لژ هاي فراماسونري مصر بايد تعطيل شود.

جمال عبد الناصر



فراماسونری در ترکیه

چگونه فراماسونری وارد ترکیه شد؟

نخستین انجمن فراماسونری در عثمان که در دوران زمامداری کمال مصطفی پاشا (مشهور به آتاترک) تغییر نام دادو به ترکیه شناخته شد-لژ فیثاغورث بود که در سال 1737 میلادی در شهر کورفو تاسیس شد. این لژ به سازمان فراماسونری انگلستان وابستگی داشت. مدت زیادی نگذشت که لژ های فراماسونری دیگری در دیگر شهر های از جمله از میر، اسکندرون و استانبول نیز تشکیل شدند

آتاتورک



ریشه دواندن فراماسونری در ترکیه:

با وجود این از نیمه سده 19 به بعد تکاپو های فراماسونری در عثمانی شدت گرفت. بیشتر آنها را انگلیسی ها رهبری میکردند. برخی هم ویژه ی پیروان یک کیش بود و افراد ادیان دیگر حق عضویت در ان را نداشتند. مانند انجمن صهیون که در سال 1869 میلادی در از میر به وجود آمده بود. در تعدادی از ان ها هم پیروان ادیان مختلف، از اسلام تا یهود میتوانستند عضویت پیدا کنند و فعالیت داشته باشند. از نکات قابل توجه که درباره ی فراماسونری عثمانی باید مورد اشاره قرار گیرد پیوندی است که برخی ایرانیان در دوران ماموریتشان در ان کشور با فراماسونر ها برقرار کردند. ایرانیانی مثل میرزا حسین خان سپهسالار

که در مدت 12 سال وزارت مختاری اش در استانبول با ماسون های عثمانی
آشنایی یافت و علاقه زائد الوصفی به ماسون گری پیدا کرد. فراماسونری عثمانی
تا انقلاب ژوئیه 1908 که به رهبری "کمیته اتحاد و ترقی" به پیروزی دست یافت
و نام "جنبش ترکان جوان" به خود گرفت به راه خود ادامه داد. در زمان این
انقلاب، فراماسونری دچار دگر دیسی شده و با مشکلاتی مواجه شد. اما عده ای از
کارشناسان معتقدند که این حرکت جنبش های اتحاد و ترقی و ترکان جوان تبدیل
به کودتا شد و در سال های آینده سبب تداخل عثمانی به جنگ جهانی اول شد که
منجر به کشته شدن 1.5 میلیون ارمنه شده است! که چند روز پیش سالگرد 100
امین سال این نسل کشی بود! بعد از آن معلوم شد که شمار فراوانی از اعضای
کمیته اتحاد و ترقی، فراماسون هستند. از این هنگام به بعد فراماسونری در نظام
نوین ترکیه نقش چشمگیری پذیرفت. و چندین لژ تازه تاسیس یافته، بسیاری از
مردم ترکیه را در خود جای داد. لژ های مثل "وفای خاورزمینی"، "دوستان
حقیقی اتحاد و ترقی"، "حقیقت"، "شفق" و "خاور بزرگ ترکیه".

میرزا حسن خان سپهسالار



کمیته اتحاد و ترقی



جنبش ترکان جوان



نسل کشی ارمنه در جنگ جهانی اول



فراماسونری در عصر نوین ترکیه:

سیاستمداران سال های اخیر ترکیه همچون «بولنت اجویت» عضو گروه «بیلدبرگ» بوده اند. اما عجیب این که «عبدالله گل» رئیس جمهور فعلی ترکیه نیز که به عنوان اسلامگرا شناخته می شود، خود به احتمال زیاد، یکی از مهره های «فراماسونری جهانی» است!

عبدالله گل (رئیس جمهور پیشین ترکیه)



عبد الله گل، عضو افتخاري گروه ماسوني "سفارش در حمام" است و اين مطلبي است که در سايت رياست جمهوري ترکيه ذکر شده است!

Pages in category "Knights Grand Cross of the Order of the Bath"

The following 199 pages are in this category, out of 829 total. This list may not reflect recent changes (learn more).

F

- Faisal I of Iraq
- Henry Fane (British Army officer)
- Charles Long, 1st Baron Farnborough
- Horace Farquhar, 1st Earl Farquhar
- Robert Fellowes, Baron Fellowes
- Sir Charles Fergusson, 7th Baronet
- James Fergusson (British Army officer)
- Francis Festing
- Frederick Field (Royal Navy officer)
- John Fieldhouse, Baron Fieldhouse
- John Fisher, 1st Baron Fisher
- William Wordsworth Fisher
- Maurice Berkeley, 1st Baron Fitzhardinge
- John Forster FitzGerald
- Thomas Foley (sailor)

G cont.

- Ernest Gowers
- Gerald Graham
- John Grandy
- James Hope Grant
- Patrick Grant
- Michael Graydon
- Albert Grey, 4th Earl Grey
- Abdullah Gül**
- Sir Robert Gunning, 1st Baronet
- Gustaf VI Adolf of Sweden
- Charles Guthrie, Baron Guthrie of Craigiebank
- Roland Guy

H

- Haakon VII of Norway

H cont.

- Thomas Holderness
- Deric Holland-Martin
- Arthur Hood, 1st Baron Hood of Avalon
- Samuel Hood, 1st Viscount Hood
- James Hope (Royal Navy officer)
- William Johnstone Hope
- Geoffrey Hornby
- Phipps Hornby
- Henry Home, 1st Baron Home
- Alfred Horsford
- Max Kennedy Horton
- William Hotham (1772–1848)
- David House
- Sir William Houston, 1st Baronet
- Charles Ellis, 6th Baron Howard de Walden

The screenshot shows the official website of the Presidency of the Republic of Turkey. At the top, it says 'ATATÜRK' and 'Abdullah Gül'. Below this is a portrait of Abdullah Gül. To the right of the portrait is a biographical text in Turkish. Below the portrait are several logos and icons, including '46 President of Turkey', 'ATATÜRK Culture Center', and 'Presidential Palace'. The text on the right describes his role as the 11th President of Turkey from 2007 to 2014, his previous positions as Prime Minister and Minister of Foreign Affairs, and his military service.

ملکه انگلیس از سران تشکیلات جهانی فراماسونری، در جریان اعطای جائزه 'چتم هاوس' به رئیس جمهوري ترکيه، از 'عبدالله گل' به عنوان رهبري فعال و بارز در تقویت دموکراسي و حقوق بشر تمجید کرد!



عکس هایی از نماد های فراماسونری در ترکیه:



پرچم ترکیه:

ترکیه بعد از سقوط امپراطوري اسلامي عثماني شکل گرفته که در سقوط آن فراماسون ها نقش برجسته اي ایفا کردند. پرچم سرخ رنگ آن، نشان از ادامه جنگ با همسایگان می باشد. به شکلي که شاهد حضور نظامي آنان در شمال عراق(کردستان عراق) جهت مبارزه با پ.ک.ک می باشیم. نماد پرچم ترکیه، یک ماه و یک ستاره پنج پر می باشد، که ماه نماد اسلام بوده و ستاره پنج پر، نماد ماسون ها می باشد، این بدان معنی است که در ترکیه، اسلام امریکایی(قالب اسلامي دارد، در عمل سکولار است) حاکم می باشد. قدرت لائیک ها در کشور، به جا مانده از آخرین امپراطوري اسلامي، گواه این مطلب می باشد



فراماسونری در سوریه

درباره ی فعالیت فراماسون گری در سوریه همین بس که مردم عقیده داشتند فراماسونری، جمعیت کفر و الحاد و از بزرگترین عاملان نابودی دین است! و لفظ فراماسون و فراماسون زاده به یک ناسزای عمومی تبدیل شده بود و به جای لفظ خود فروخته و خائن به کار میرفت! اگر به یک شخص ناسزایی گفته میشد ان شخص خشمگین نمیشد تا زمانی که به او میگفتند فراماسون زاده! آنگاه به خشم می آمد!

نخستین لژ فراماسونری در سوریه، توسط الدریدج سرکنسول انگلیس در سال 1862 بنا نهاده شد. که به ان لژ "فلسطین" میگفتند!

سر الدریدج



این لژ، پیرو لژ اعظم اسکاتلندی به شمار می رفت و بسیاری از بلند پایگان و اعیان بومی بیگانه به عضویت آن در آمدند که یکی از مهم ترین آن ها «راشد پاشا» حکمران سوریه در دوران عثمانی بود. این شخص بعدها وزارت خارجه ی دولت عثمانی را بر عهده گرفت!

راشد پاشا



فراماسونری در سوریه توسط امیر عبدالقادر الجزائری گسترش یافت. او که برای برگزاری فریضه ی حج به سفر رفته بود، در مصر به عضویت لژ اهرام که پیرو شرق اعظم فرانسه بود درآمد و در بازگشت از حج، در دمشق، لژی به نام لژ سوریه تأسیس کرد.

عبد القادر الجزائری



شاهین مکاریوس یاد آور می شود که فراماسونرهای مصری از جمله محمد عبده، ابراهیم بیک لقافی و حسن بیک شمسی به سوریه آمده و در این لژ سخنرانی می کردند!

شاهین مکاریوس



مکاریوس می نویسد که شیخ محمد عبده به درجه ی «خارک و صدف» نیز دست یافت که این نشان توسط نماینده ی آمریکا به وی داده شد!

شیخ محمد عبده



فراماسونری بعد از جنگ جهانی اول بر فعالیت خود در سوریه افزود. در سال 1924 کنفرانس آزادگان (مؤتمن الاحرار) در بعلبک برگزار شد. که خود بیانگر میزان گسترش فراماسونری در همه شهرهای بزرگ سوریه در آن هنگام بود.

شمار بسیاری از اشخاصی که بعدها در سوریه وزیر، نخست وزیر و رئیس جمهور شدند، در این کنفرانس حضور داشتند که از مهم ترین آن ها می توان از فارس خوری بنیان گذار حزب مردم سوریه و بانی لژ فراماسونری «نور دمشق» نام برد! در سال 1939 فراماسونرهای سوریه تصمیم گرفتند که یک لژ اعظم که در برگیرنده ی تمامی لژهای سوریه باشد، تشکیل دهند. آن ها «عطا ایوبی» را به عنوان استاد اعظم این لژ برگزیدند و لژهای بزرگ جهان بلافاصله این لژ را به رسمیت شناختند.

عطا ایوبی



در سال 1950 کنفرانس بزرگی برگزار شد که نمایندگان از کشورهای عرب در آن شرکت داشتند و اجتماع کنندگان تصمیم گرفتند بار دیگر لژ اعظم را تشکیل دهند. پس از بستن لژهای فراماسونری در مصر، حکومت سوریه در اوت سال 1965 فرمان تعطیلی لژهای فراماسونری و باشگاههای روتاری را صادر کرد و

به فعالان آنها هشدار داد که به اتهام وابستگی به انجمن های پنهان و رازدار بین المللی در دادگاه های نظامی محاکمه خواهند شد. با این حال، پاسخ این سؤال که حکومت سوریه تا چه حد توانست از فعالیت لژها جلوگیری کند، خود جزو اسرار فراماسونری است.

فراماسونری در لبنان

در سال 1869 لژ لبنان توسط فرانسوی ها (لژ لبنان) در بیروت ایجاد شد. این لژ پیرو شرق اعظم فرانسه بود. در سال 1891 شاهین مکاریوس از لژ اعظم مصر اجازه گرفت که گروهی از فراماسونرهای بیروت، لژی به نام لژ فنیقیه در بیروت ایجاد کنند، اما سلطان عبدالحمید، امپراطور عثمانی، دستور تعطیلی لژ فنیقیه را صادر کرد.

سلطان عبد الحمید



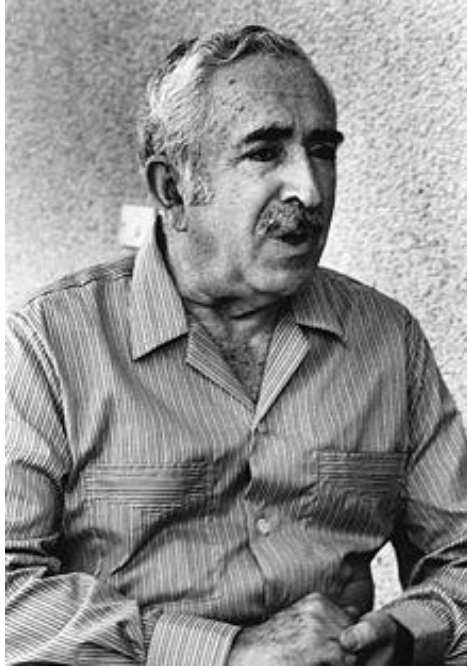
دکتر علی وردی استاد جامعه شناسی دانشگاه بغداد می نویسد:
سلطان عبدالحمید ظاهراً از این لژ به سبب پیوندش با لژ اعظم مصر بیمناک بود، گویی به واسطه ی این لژ، از نفوذ بریتانیا، واهمه داشت البته او اشتباه نکرده بود، زیرا همین لژ با همکاری کمیته ی اتحاد شرقی برای سرنگونی وی تلاش کرد!

علی وردی



در اوایل قرن بیستم سه لژ در لبنان فعالیت داشتند و هر سه به لژ اعظم وطنی مصر وابسته بودند. این لژها عبارت بودند از: لژ «الرشید» که ریاست آن را دکتر فؤاد غصن استاد دانشگاه آمریکایی بیروت به عهده داشت، لژ «بیروت» به ریاست «سعد الدین خالد» یکی از منشیان مجلس نمایندگان و لژ «اتحاد» که ریاست آن را محمد درویش یکی از افسران ژاندارمری لبنان به عهده داشت در سال 1965 ادیب فرزلی نایب رئیس مجلس نمایندگان لبنان، تعدادی از سران فراماسونری جهان را به لبنان دعوت کرد و آنان به همراه او با رشید کرامی نخست وزیر لبنان دیدار کردند.

رشید کرامی



خبرگزاری فرانسه در 19 ژانویه ی 1972 گزارش داد که صائب سلام نخست وزیر لبنان، دستور لغو کلیه اقدامات مربوط به ممنوعیت فراماسونری را صادر کرده است. در این دستور آمده بود که *شورای درجه سی و سوم لبنانی های محترم و کمیته ی عالی درجات بالای فراماسونری لبنان، از هم اکنون اجازه دارند طبق ماده ی ششم قانون سازمان ها به فعالیت بپردازند.

صائب سلام در جمع فراماسون ها



صائب سلام



فراماسونری در فلسطین

در سال 1873 نخستین لژ فراماسونری در فلسطین به نام لژ اساسی پادشاهی سلیمان به شماره ی 293 بنیاد نهاده شد. با آغاز قرن بیستم شبکه ی لژهای فراماسونری در بیشتر شهرها و شهرک های فلسطین وجود داشت که از آن جمله لژ «پاکس» در بیت المقدس لژ «هیكل سلیمان» در یافا و لژهای «اتحاد یهودیان» و «سینا» در غزه قابل ذکرند.

لژ اتحاد یهودیان

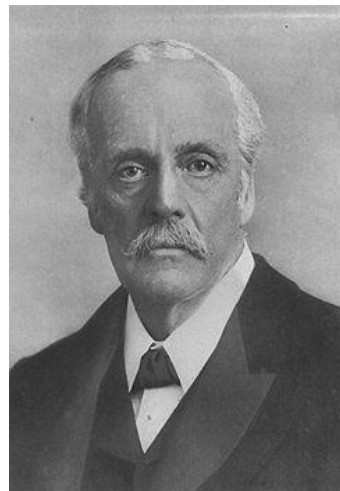


لژ هیكل سلیمان



این لژها که از طریق لژ اعظم مصر با انگلستان در ارتباط بودند، توانستند از طریق بالفور وزیر خارجه ی انگلیس، استقلال حرکت یهود را در سال 1917 اعلام کنند و نام کشور فلسطین را به اسرائیل تبدیل نمایند.

بالفور



در دهه ی 1930 بیش از هفده لژ پیرو لژ اعظم مصر در اسرائیل وجود داشت

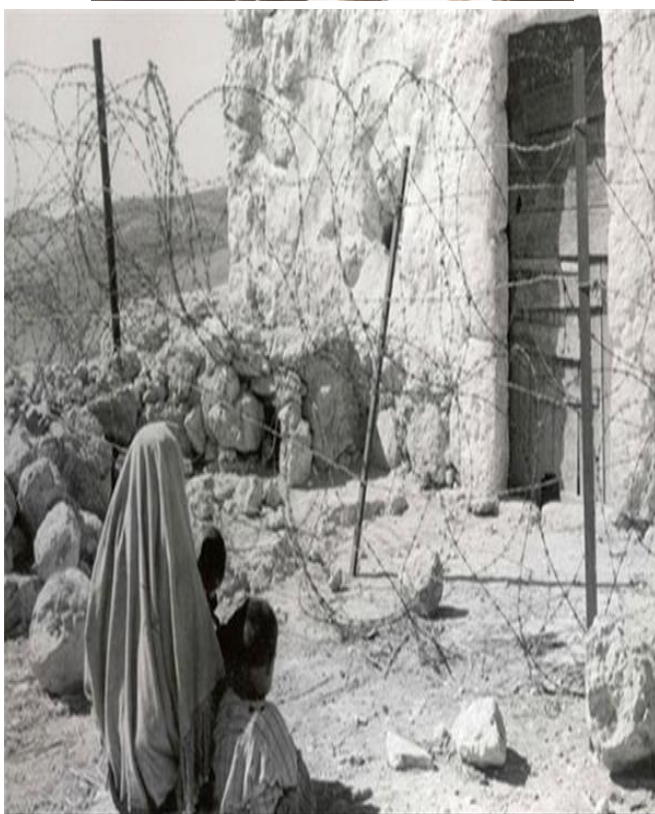
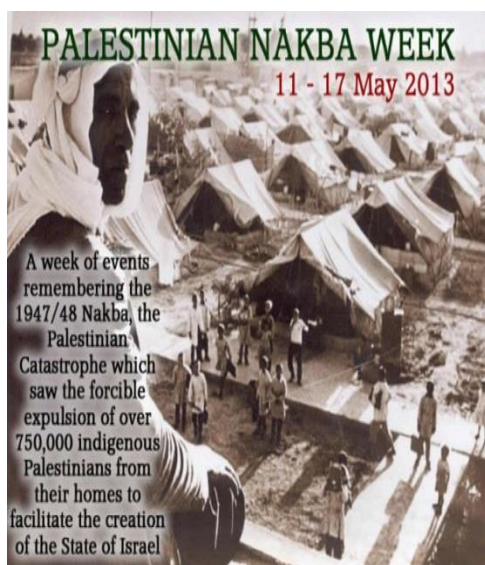
که از آن میان عمر بیطار رئیس انجمن مسیحی – اسلامی مصر ریاست لژ یافا و فهمی حسینی شهردار غزه ریاست لژ غزه را برعهده داشتند. هم چنین دوازده لژ وجود داشت که اکثریت اعضای آنها را یهودیان تشکیل می دادند. این لژها در سال 1933 تشکیل یک لژ بزرگ اسرائیلی را به ریاست کروتسکی وکیل دعاوی یهودی در تل آویو اعلام کردند.

لژ بزرگ اسرائیل



در شامگاه 9 ژانویه ی 1933 مراسمی برای گشایش لژ اعظم اسرائیل برگزار شد. در پایان این مراسم، رئیس هیأت لژهای فراماسونری مصر به خبرنگار روزنامه ی المتطم در اسرائیل گفت که لژ اسرائیل کاملاً مستقل است و لژ اعظم مصر، استقلال آن را به رسمیت می شناسد. پس از فاجعه ی 1948 در فلسطین و پیوستن کرانه ی باختری رود اردن به کشور اردن، لژهای موجود در شهرهای فلسطینی به هم ضمیمه شده، هم چون گذشته به کار خود ادامه دادند. این لژها یک لژ فراماسونری در شهر امان پایتخت اردن تشکیل دادند که پیرو لژ اسکاتلند بود.

فاجعه ی 1948 در فلسطین و یورش صهیونیست ها





در این جا مطلبی از مجله ی خواندنی ها شماره ی 4 سال 1346 درباره ی
فعالیت فراماسونرها در اسرائیل می آوریم:
منوچهر ساچمه چی خبرنگار مطبوعات ایران در اسرائیل در نامه ای به ذبیح الله
منصوری (که کتاب هایی چون مبکه ی ویکتوریا و سینوهه و کنیز ملکه ی مصر
را در کارنامه دارد) می نویسد:
فعالیت فراماسونرها در اسرائیل از آن چه در مقالات جنابعالی آمده است علنی *
تر است. آن ها در هر یک از شهرهای بزرگ یک لژ دارند و هر چند ماه یک
بار، جلسات علنی تشکیل می دهند که در آن ها فراماسونرها با همسرانشان و عده
ای مهمان دعوت دارند. البته در این جلسات ذکری از مسائل مربوط به فراماسون
ها نیست و بیشتر به یک جلسه معمولی شباهت دارد. فراماسون ها در اسرائیل
دارای چند رستوران هستند که تا ساعت 6 بعد از ظهر همگان آزادند که از آن ها
استفاده کنند، ولی از آن ساعت به بعد به صورت باشگاه فراماسون ها در می
آیند. اخیراً فراماسون های اسرائیل مرکز مجلل و وسیعی در اورشلیم ساخته اند
که قرار است به زودی افتتاح شود. چندی پیش مرا به عنوان یک روزنامه نگار

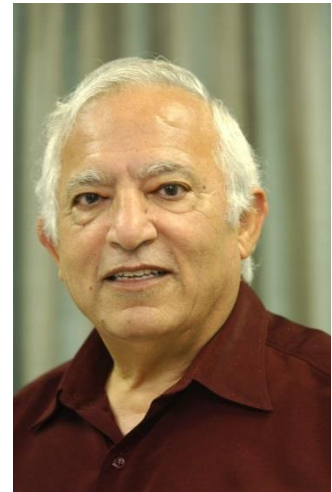
ایرانی به یکی از جلسات باز فراماسون ها دعوت کردند. ابتدا خیلی تعجب کردم که نشانی مرا چگونه پیدا کرده اند و بعد خیلی کنجکاو شدم بدانم که مرا به چه منظور دعوت کرده اند.

سخنران آن شب داوید سپتون روزنامه نگار اسرائیلی بود که مدتی پیش از ایران بازدید کرد. سپتون که یکی از زبردست ترین روزنامه نگاران اسرائیلی است در حدود یک ساعت و نیم درباره جنبه های مختلف زندگی در ایران صحبت کرد که باعث تعجب من شد.

ذبیح الله منصورى



منوچهر ساچمه چى



فلسطین بعد از جنگ جهانی اول



لبنان بعد از جنگ جهانی اول



سوریه بعد از جنگ جهانی اول



فراماسونری در عراق

مردم عراق نیز مانند مردم سوریه، فراماسونری را که در میان اعراب به صورت "فرمصونیه" تلفظ میشد و با کفر و الحاد یکی می‌شمردند! و به جایی دشنام استفاده میشد! به هر روی نخستین خبری که در رابطه با تشکیل لژی در عراق منتشر شده مربوط به ژانویه 1925 است که بر پایه آن پی ریزی لژ فراماسونری واقع در جاده هند با جشنی همراه بوده. این لژ به دست فردی به نام "مستر مور" گشایش یافت که به نظر میرسد به گونه ای وابستگی به "شرکت هند شرقی" در بصره داشت.

ولزلی (موسس کمپانی هند شرقی)



گسترده‌گی فراماسونری در بصره مدیون همان شرکت بود، کارمندان شرکت هم در تاسیس نخستین لژ ماسونی در عراق نقش عمده ایفا کردند!

شرکت هند شرقی



در میان شهر های عراق، شهر بصره به سبب موقعیت تجاری آن که بسیاری از بازرگانان را در خود جای داده بود، موقعیت بهتری برای برپایی انجمن های ماسونی بود و نخستین پایگاه ماسونی هم در همین شهر شروع به کار کرد!

نقشه شهر بصره که دارای بندر و ساحل در خلیج فارس است!

موقعیت شهر بصره در عراق



انگلیسیان استعمارگر چندین شرکت بازرگانی راه انداخته بودند که همین امر موجب آشنایی بیشتر افراد بومی با فراماسونری تاثیر داشت. نخستین لژی که در بصره به وجود آمد لژ "بین النهرین" نام داشت. در سال 1918 میلادی بسیاری از افسران و کارمندان اداری در آن عضو شدند!

رجال اداری در حال ورود به شرکت هند شرقی



پس از این لژ، چند لژ دیگر در همان شهر و دیگر شهر های عراق بنیان نهاده شد که مشهورترین آنها به این ترتیب است:

لژ بابل در 1922 در بصره، لژ صدق الوفا در بصره، لژ دار السلام در بغداد، لژ بصره، لژ الفیحا، لژ عراق، لژ کرکوک، لژ دجله در حبانیه و لژ بغداد در شهر بغداد.

به غیر از لژ "صدق الوفا" که تابعیت لژ "شرق اعظم وطنی مصر" را داشت، همه ی این لژ ها، پیرو لژ "اعظم انگلیس" بودند. آنها زیر نظر انجمن برادری فعالیت میکردند که مقر آن در بغداد بود. این انجمن به عنوان رابط آنها با لندن، امور لژ ها را سامان میداد. افزون بر این، این لژ، با دو لژی که یکی در بحرین و دیگری در کویت بود، پیوند برقرار کرده بود.

اما مرگ یکی از ماسون های پولدار و مشهور بصره ای که کاتولیک مذهب بود و جلوگیری کشیشان از ورود جسد او به کلیسای کاتولیک و خودداری آنها از برپایی مراسم مذهبی برای او در عراق، هیاهویی به وجود آورد که این مناقشه و کشمکش میان فراماسون ها و کشیشان عراقی به روزنامه ها نیز کشیده شد.

لیکن از دهه ی 1930 تا انقلاب 14 ژوئیه 1958 (به رهبری عبدالکریم قاسم) که پس از پیروزی، فرمان تعطیلی مجامع ماسونی در عراق صادر شد، تکاپوهای فراماسون گری در آن کشور با پنهان کاری همراه بود.

عبدالکریم قاسم (رهبر انقلاب 14 ژوئیه)



افزون بر کشور های مسلمانی که در کنفرانس های قبل تاریخچه ی مختصری از فعالیت های فراماسونری آنها بیان شد، مردم مسلمان کشور هایی مثل هند، اندونزی، الجزایر، تونس و عربستان سعودی شاهد تشکیل محافل فراماسونری در سرزمین های خود بوده اند. مجامعی ماسونی که نقش مهمی در کمک به استعمار برای نفوذ به کشور های اسلامی داشتند!

فراماسونری در ایران (قاجار)



اولین فراماسونر های ایرانی:

میر عبداللطیف شوشتری نخستین ایرانی است که در مسافرت به هند با این پدیده جدید آشنا شد و در اثرش «تحفه العالم» از آن سخن به میان آورده. ابوالفتح الحسنی الحسینی معروف به سلطان الواعظین هم از زمره نخستین ایرانیانی بود که با فراماسونری آشنا شد.

اما نخستین ایرانی که از جرگه دولتمردان به فراماسونری پیوست، عسگرخان افشار ارومی بود که در سال 1187/1808 ق. از سوی فتحعلی شاه و عباس میرزا روانه فرانسه شد تا پیام آنها را به ناپلئون رسانده و از او برای مقابله با توسعه طلبی روس ها درخواست کمک کند. بنابر روایات، کارگزاران انگلیسی مقیم پاریس که از این اقدام ایران نگران شدند، برای بر ملا ساختن نقشه ایرانیان، عسگرخان را به یکی از لژهای انگلیس در پاریس به نام «آیین فلسفی اسکاتلند» برده و به او لقب استادی دادند. از این زمان به بعد عسگرخان فراماسون شد و مدت دوسالی که در پاریس بود ماموریت خود را به فراموشی سپرد.

دومین ایرانی که به عضویت فراماسونری درآمد، میرزا ابوالحسن خان معروف به ایلچی بود که در سال 1223/1809 ه. ق از سوی فتحعلی شاه برای عقد قرارداد به لندن رفته بود اما او هم مانند عسگرخان در آن لحظه حساس تاریخی به گفته مرحوم حائری در «پیچ و خم تمدن غرب گرفتار آمد» و به جرگه سرسپردگان

بریتانیا پیوست.
عسگر خان افشار ارومی



میرزا ابوالحسن خان ایلیچی



دیگر ایرانی که به فراماسونری پیوست میرزا صالح شیرازی بود که برای تحصیل به اروپا رفت او در 1232/1818 به عضویت یکی از لژها درآمد و تا زمان بازگشت لقب استاد بزرگی دریافت کرد. او اهل فضل و کمال و بسیار نکته‌سنج و تیزبین بود و برخلاف اسلافش به تمام جوانب زندگی اروپاییان توجه داشت. میرزا صالح نخستین فردی است که در ایران روزنامه(کاغذ الاخبار)منتشر کرد.

میرزا صالح شیرازی



ورود فراماسونری در ایران:

سازمان فراماسونری از طریق هند به ایران راه یافت و دستگاه عظیم فراماسونری انگلیس شبکه گسترده ای در ایران پیدا کرد. «سرگوراوزلی» سفیر وقت انگلیس در ایران با دو دستور وارد ایران می شود. یک دستور از جانب «جرج سوم» پادشاه انگلیس که مأمور می شود اطلاعات جامعی از ایران تهیه و ارسال کند و دستور دوم او تأسیس لژ فراماسونری در ایران به نام «لژ اصفهان» بود!

سرگور اوزلی



جرج سوم (پادشاه انگلستان)



میرزا ملکم خان معروف به ناظم الدوله فرزند میرزا یعقوب از ارامنه اصفهان بدون تردید نخستین ایرانی بود که تلاشی آگاهانه به منظور برقراری شعبه‌ای از فراماسونری (در اصطلاح آن را فراموشخانه یا خانه فراموشی می‌گویند) در ایران به عمل آورد. ملکم خان در خدمت صهیونیسم بود و هیچ اعتقادی به ادیان ثلاثه (نه اسلام، نه مسیحیت نه یهودیت) نداشت.

میرزا ملکم خان

مظفر الدین شاه به همراه میرزا ملکم خان



در خاطرات

ناصرالدین شاه آمده که در پاریس یا لندن ملکم خان، روچیلد را به دیدن ما آورد و روچیلد در خصوص وضعیت یهودیان از حکومت وقت امتیازاتی می خواستند. ناصرالدین شاه به آنها می گوید چرا نمی روید فلسطین را بخرید و یهودیان را در آنجا جمع کنید و بعدها تاریخ نشان داد که آنها چنین تصمیمی داشتند. او در 10 سالگی به پاریس رفت و علوم طبیعی و مهندسی را فراگرفت و پس از بازگشت به ایران در دارالفنون مشغول تدریس شد. ملکم برای بیداری ایرانیان و ادامه فعالیت هایش استفاده از کارکردهای لژ فراماسون را برگزید. از این رو با کمک پدرش در سال 1274 ق این نهاد را تاسیس کرد. ملکم خان هنگامی که به همراه فرخ خان امین الدوله در مقام مشاور و مترجم برای مذاکره با انگلیسی ها بر سر قضیه هرات به پاریس رفته بود، به لژ «سن سیر آمیته» پیوست. از این زمان به بعد دلبسته فراموشخانه شد و بلافاصله بعد از ورود به ایران با استفاده از فضایی که ناصرالدین شاه برای اصلاحات به وجود آورده بود به تشکیل آن اقدام کرد. بنابر برخی روایات، شاه هم به عضویت آن درآمد و لقب استادی گرفت.

ناصرالدین شاه



فرخ خان امین الدوله



میرزا ملکم و پدرش برای مشروعیت بخشیدن به فراموشخانه و خنثی کردن اقدامات مخالفان ، بسیاری از رجال سرشناس از جمله جلال‌الدین میرزا و اویس میرزا از شاهزادگان قجری را به عضویت درآوردند.

اویس میرزا



قرارداد «رویتر» را میرزا ملکم خان و میرزا حسن خان سپهسالار با شخصی به نام «اسرائیل یوسفات» یک یهودی ظاهراً هندی تابع انگلستان منعقد می کنند که در طی آن منابع زیرزمینی و روی زمینی ایران به مدت ۷۰ سال در اختیار بیگانگان قرار داده می شود. کاری که حتی امپراطور انگلستان هم آن را باور نمی کرد که واقعا چطور ممکن است یک حکومتی چنین کاری بکند؟



بساط لژ میرزا ملکم خان با هوشیاری و غیرت حاج ملاعلی کنی برچیده می شود. حاج ملاعلی کنی حداقل دونقش برجسته در تاریخ ایران دارد که یکی بر هم زدن قرارداد رویتر و دیگری برچیده کردن بساط لژ میرزا ملکم خان است.

ملا علی کنی



بعد از ملکم خان شاخصترین اعضای لژهای فراماسونری «میرزا فتحعلی آخوند زاده ، میرزا ابراهیم خان حکیم الملک (طیب مظفرالدین شاه) ، شیخ ابراهیم زنجانی ، حسن تقی زاده بودند.

تقی زاده



از جمله افرادی که فراماسون بودند و نقش مهمی در تاریخ ایران داشتند میتوان به سید جمال الدین اسد ابادی، میرزا رضای کرمانی(قاتل ناصر الدین شاه) و محمد علی فروغی نام برد!

سید جمال الدین اسدآبادی، یا سید جمال الدین افغانی که با بیش از ۲۱ اسم در کشورهای مختلف فعالیت سیاسی داشت. وی در ده لژ فراماسونری در شهرهای قاهره، پاریس، لندن و استانبول عضویت داشت. و موسس لژ محفل الوطنی مصر و استاد ارجمند لژ کوکب شرق در قاهره بود. در همین دوران وی میرزا رضای کرمانی را برای ترور ناصرالدین شاه که به روسها نزدیک بود تحریک کرد تا زمینه برای اتحاد کشورهای ایران و عثمانی فراهم شود!

میرزا رضای کرمانی در اعترافات خود می‌گوید: وقتی شرح مظالم خود را به سید(اسد ابادی) گفتم گفت تو غیرت نداری، ظالم را باید کشت. در ۱۸۹۶ ناصرالدین شاه در حرم عبدالعظیم به با گلوله میرزا رضا کشته شد. پس از این ماجرا سلطان عبدالحمید هم به سید و رابطه اش با انگلیسی بدبین شد و چندی بعد مسموم شد که شایع است با تحریک سیدجمال الدین بوده‌است. وی همچنین در شورش مصر که منجر به بمباران اسکندریه و تل الکبیر و اشغال انگلیسی‌ها شد راساً عامل شورش بوده و عده‌ای عملیات او را به دستور و به نفع سیاست‌های استعماری انگلیس در مصر میدانند!

میرزا رضای کرمانی



سید جمال الدین اسد ابادی



میرزا رضای کرمانی در زنجیر (شاید جالب است که بدانید، شخصی که زنجیر را در دست گرفته، پدر رضا شاه است)!



میرزا رضای کرمانی بر دار



تذکر: متأسفانه بخش های زیادی از تاریخ قاجار بدلیل بی لیاقتی تحریریه های درباری، غلط، تحریف شده و یک طرفه است. این فضا در برخی سلسله های

دیگر هم وجود داشته. شخصیت های مبارز و چالشی همیشه در هاله ای از ابهامند (نمونه مختار). این مطلب در مورد سید نیز صادق است. و البته در تاریخ روابط غیر رودر رو هم زیاد هست. جمع بندی عرایض این باشه که عده ای تاریخدان ایشون رو محکوم میکنند و عده ای خیر و همگی هم دلایل قابل قبولی عرضه میکنند (به مانند حضرت ذوالقرنین و شباهت با کوروش و نظرات موافق و مخالف) فلذا حکم دقیقی نمیشه در مورد این مطلب صادر کرد. البته تاریخ در مورد ایشون منابع مختلفی داره! یه عده موافق و یه عده مخالف! پایه گذاری اخوان المسلمین نمونه ای از اقدامات سید است و روزنامه ی عروه او ثقی!

از دیگر فراماسونرهای ایرانی، می باید به میرزا عباسقلی خان آدمیت اشاره نمود که با تأسیس جامع آدمیت، به نوعی به امتداد تأسیس فراموشخانه ملکم خان پرداخت. همچنین باید تأسیس انجمن اخوت به دست حاج میرزا محمدحسن اصفهانی مشهور به صفی علی شاه را هم در این راستا ارزیابی کرد. از جمله دیگر ایرانیان فراماسونر باید به افرادی مانند میرزا علی خان ظهیرالدوله، شیخ محسن خان معین الملک، شیخ محسن خان مشیرالدوله، میرزا نصرالله خان نائینی، میرزا صادق خان امیری فراهانی (ادیب الممالک) و ... اشاره نمود.

میرزا نصرالله خان نائینی



عباسقلی خان آدمیت



فراماسونری در ایران (پهلوی)



محمدعلي فروغي مشهور به ذكاءالملک که به عنوان نخست‌وزیر رضاشاه و اولین نخست‌وزیر محمدرضا شاه به شمار مي‌رفت، خود از فراماسون‌هاي نامي آن دوران به شمار مي‌رفت.

فروغي



رضا شاه



دوران محمد رضا شاه

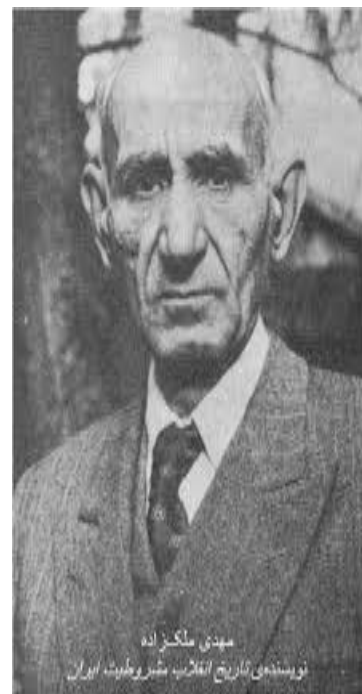


مهدي ملک زاده معتقد است که براي اولین بار جلسه رسمي تشکيلات

فراماسونري در ايران در تاريخ 22 ربيع الاول سال 1322 قمری در باغ
شخصي سليمان خان ميکده در خيابان گمرگ برگزار و تشکيلات فراماسونري
پايه گذاري گرديد!

مهدي ملک زاده

فروغی و وصال و تقوی، اعضای لژ بيداری



محمدرضا شاه در واقع رهبر عالی فراماسونري ايران به شمار مي رفت که حتي
انتصاب جعفر شريفامامي در رأس تشکيلات ماسوني، به دستور او بوده
است. فرافکني در اين راستا به حدي مي رسد که شخصيتي همچون "محمدعلي
فروغی" تنها شخصيتي علمي معرفي شده و نقش هايي همچون سياست گذاري
امور انگليس در ايران توسط وي نادیده انگاشته مي شود. او کسي است که حلقه
واسطه بين فراماسون هاي عصر قاجار و پهلوي است و با راه اندازي مدرسه
علوم سياسي که بعدها به دانشگاه بدل گشت، بدنه سياست مداران عصر پهلوي را
به نوعي در فضاي کاملاً وابسته و غربزده تربيت کرد.

سند مربوط به چگونگی فراماسونر شدن محمد رضا شاه

سند عضویت محمد رضا شاه در انجمن فراماسونری



این رویه آنچنان از سوی غربی ها مهم بوده است که در مدیریت "انتشار اسناد تاریخی" انگلیسی ها فردی همچون فروغی را طبق

سناد وزارت خارجه این کشور، عنصری مستقل که بدون هیچ ماهیت تشکیلاتی توانست سلطنت پهلوی را ابقا کند معرفی می گردد.

سند اول: در زمان سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر بنا به فرمان معظمله فعالیت احزاب منجمله فراماسونها به حالت رکود درآمد و در سال 1328 یک نفر عرب به نام جواهری در ایران ظاهر و ادعا نموده است که با داشتن فرمان از امپراطور انگلستان در نظر دارد تشکیلات فراماسونها را در ایران تجدید و به همین جهت اکثر رجال وقت را دور خود جمع و در نتیجه تحقیقاتی که به عمل آمد معلوم گردیده نامبرده شخص حقه بازاری بوده که با این ترتیب تشکیل یک

سند مورخ 1355/11/30، وضع فراماسونري ايران را پيش از تأسيس «لژ بزرگ ايران» چنين توضيح مي‌دهد: «... قبل از اين‌که لژ بزرگ ايران تشكيل گردد، لژهاي فراماسونري منظم ايران به سه گروه تقسيم مي‌شدند: الف: لژهاي تابع تشکيلات ماسوني انگلستان ... ب: لژهاي تابع تشکيلات ماسوني فرانسسه ... پ: لژهاي تابع تشکيلات ماسوني آلمان ... اما به دنبال تشكيل لژ بزرگ ايران، ترکيب رهبران لژ به شکلي صورت گرفت که مهندس شريف‌امامي از لژهاي آلماني، دکتر حسن امامي از لژهاي انگليسي و دکتر احمد علي‌آبادي از لژهاي فرانسوي، در رأس لژ بزرگ ايران واقع شدند!

لژ ايران

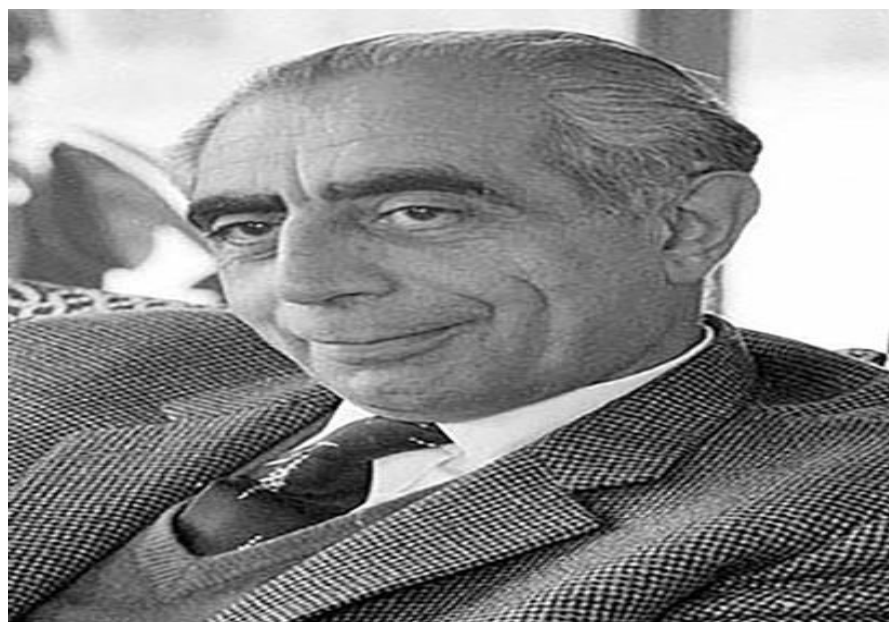


حتي در مجلس فرمايشي زمان شاه نيز بيشتتر نمايندگان مجلس و رؤساي کميسيون‌هاي وقت رياست مجلس، از بين فراماسون‌ها انتخاب شدند. غير از مجلس، هيئت‌وزيران را نيز بايد معرکه‌اي جهت جولان دادن فراماسونرها دانست، به ويژه آن‌که در کابينه دوم شريف‌امامي در تابستان 1357، حدود هفت وزير کابينه وي از اعضاي رسمي فراماسونري به شمار مي‌آمدند!

شريف امامي



اميني



کابینه ی دولت یا لژ فراماسون؟؟؟



سند دوم: انواع لژها در زمان پهلوی:

1-لژهای اسکاتلندی

2-لژهای فرانسه

3-لژ آلمان و یا لژ بسته

الف - مسئولین لژهای فرانسه که از لژ بزرگ فرانسه الهام می‌گیرند عبارتند از

1-آقای دکتر سعید مالک سناتور

2- دکتر هومن معاون سابق وزیر دربار

3- مصطفی تجدد سناتور

ب - مسئولین لژهای اسکاتلند که از لژ بزرگ اسکاتلند الهام می‌گیرند عبارتند از

1- آقای مهندس شقاقی معاون وزیر راه

- 2- مستر فری انگلیسی
 3- دکتر کیان استاد دانشگاه
 4- دکتر خشایار عضو هیئت نظارت سابق سازمان برنامه و وکیل دادگستری
 پ- لژ آلمان و یا لژ بسته
 مسئولین لژ آلمان به شرح زیر می باشند
 1- آقای دکتر امیر حکمت سناتور
 2- آقای فخر طباطبایی نماینده مجلس شورای ملی
 3- آقای گلشایان

سند 2

مستری

صفحه شماره	۲	از ۲ صفحه
نسخه شماره	۱	از ۵ نسخه

فرماندگاری که غالباً در روس مشاغل حساس دولتی قرار دارند مستوره برایش که در زمان است در حالت
 تصدیق بنده غالباً از شرکت در جلسات تشکیلاتی خود دارای تشکیل جلسات همایاره برسد کسی
 بهرامین اجوتازه واردین و ما ارتقا* درجه فراموشها و صرف شام و مشروب میگردد .
 فراموشها و ایران همه قسمت تقسیم میگردد .
 ۱- فراموشها و اسکاتلندی
 ۲- فراموشها فرانسه
 ۳- فراموشها و یا لژ بسته
 القاند مسئولین لژهای فرانسه که از لژ بزرگ فرانسه آنها برگزیده عبارتند از
 ۱- آقای دکتر سمیه مالک
 ۲- دکتر همین
 ۳- معظون تجرد
 ۴- مسئولین لژهای اسکاتلندی که از لژ بزرگ اسکاتلندی انتخاب میگردد عبارتند از
 ۱- آقای مهندس شقایق
 ۲- مستر فری
 ۳- دکتر کیان
 ۴- دکتر خشایار
 پ- لژ آلمان و یا لژ بسته
 مسئولین لژ آلمان به شرح زیر می باشند .
 ۱- آقای دکتر امیر حکمت
 ۲- آقای فخر طباطبایی
 ۳- آقای گلشایان
 ضمناً نظریات که مسئولین لژ بسته حد اکثر احتیاجات خلاصه و با عمل آورده اند لذا کتبه نمائینها

مستری

سند سوم: با آنکه در بین فراماسونهای ایرانی آن طوری که باید و شاید همکاری وجود ندارد معهذا ماسونهای ایران که جهت معالجه به انگلستان عزیمت نموده‌اند فوق‌العاده از همکاری و توجهات ماسونهای اسکاتلند برخوردار[ند] منجمله آقای محمدی استاد دانشگاه که به منظور معالجه به کشور انگلستان عزیمت نموده از مراسم فراماسونهای انگلیس برخوردار و در حال حاضر نیز مقیم آن کشور می‌باشد. لژهای اسکاتلند غالباً جلسات مربوطه در انجمن رازی تشکیل و هر عضو سالیانه 2400 ریال حق عضویت می‌پردازد و پذیرفتن اعضاء نیز بایستی بنا به معرفی دو نفر از ماسونها صورت گیرد که در صورت احراز صلاحیت به منظور وارد شدن به تشکیلات آنان بایستی فرم مربوطه را که حاوی مشخصات کامل آنان می‌باشد تکمیل سپس ضمن یاد نمودن سوگند و مصاحبه لازم ورود آنان به این جمع تصویب و به افتخار شخص تازه‌وارد مراسمی با تشریفات خاصی انجام می‌گردد. ضمناً در تشکیلات فراماسونها سه عضو وجود دارد.

1-کارآموزی

2-کاریاری

3-استادی

مصری

صفحه شماره ۳ از ۳ صفحه
نسخه شماره ۱ از ۱ نسخه

واقعات آنان سری و تاکنون محل تشکیل جلسات همین اصناف شناخته نشده است (مجلسها در این مورد تحقیقات ادامه دارد در صورت جمعیت تئیه مراتب بموقع باستحضار خواهد رسید)
 با آنکه در بین فراماسونهای ایران آنطوریکه باید و شاید همکاری وجود ندارد مجلسها ماسونهای ایران که جهت معالجه با انگستان عزیمت نمودند فوق العاده از همکاری و توجیها ماسونهای انگلستان برخوردار شدند
 برخورد از مجلسهای مصری استاد دانشگاه که بحضور معالجه بکشور انگستان عزیمت نمودند از - مراسم فراماسونهای انگلیس برخوردار و در حال حاضر نیز مسم آسکسور میباشند . لژها را تشکیل میدهند
 غالباً جلسات مربوطه در انجمن رازی تشکیل میگیرد و در آنجا حق عضویت سپردن و پذیرفتن اعضا نیز باستی بنا به مصرفی و دیگر از ماسونها صورت گیرد که در صورت احراز صلاحیت بحضور وارد لندن در تشکیلات آنان باستی فرم مربوطه را که حاوی مشخصات کامل آنان میباشد تسلیم تشکیل سپس ضمن یاد نمودن سگند و سایر احراز برود آنان باین جمع تصویبها افتخار شعری تازه وارد
 مراسم با تشریفات خاصی انجام میگردد . ضمن در تشکیلات فراماسونها معروضه وجود دارد .

۱- کار آمیری

۲- ستارهای

۳- استادی .

از محل پرداخت حق عضویت مقداری بصرف هزینههای فراماسونری و باقی بصرف امور غیره میماند
 احتیاطاً کلاه باغها مستخدم میگردند از طریق نشرها بنگارستان آن لژها همه ساله تعیین میگرددند
 و همین جهت مراسم در تشکیلات فراماسونها وجود میابد لذا اولین وجوه جمع آمیری تمدن کند
 معمولاً در مراسم تمویج استاد لژها انجام میگردد به لژ بزرگترها تسلیم و با فرانسه ارسال میگردد
 صندوقدار باشگاه رازی آقای مصطفی عامری مدبر کف سابق را تا همین دولتی ایران میباشد . از طریق
 دو مراسم استانی اصفهان و اهواز نیز اخیراً لژ فراماسونها تشکیل یکن از مستولین اهواز نیز آقای آذری
 تاجر و کشا نیز بصرف گرفته اند به ای نمایندگی معنی شورای بعضی و عضو سازمان کسوف همین

مصری

حتی گفته میشود که یک سری اسنادی اشاره به مبارزه ی مصدق با فراماسونرها در ایران میکند!!



گزارش عده ای از فراماسونرها به شاه

شورای عالی
درجه سی و سوم و آخرین درجه آئین کهن و پذیرفته شده فراماسونی
برای ایران



مجموعه جومین ۳۳
ب. ق. م. ۱۰
شعبه پانصد و شصت و سه
تهران - ایران
— ۲ —

ایران سکه پنجاه هفتمین سال دوران شاهنشاهی خاندان پهلوی را در رقابتهای ممتاز به آن
دوشوراهدیه کرد و گفت: ما فراماسونهای ایران برای آشکار ساختن این حقیقت که
شاهنشاه آریامهر پسر توحما پست و تناسبت خود را بر روی ما گسترده است ایمن
سکه را برای شما آورده ایم تا آنرا به نشانه‌ی سیاستگزاری شورای عالی ایران
از شاهنشاه آریامهر در موزه‌های خود نگاهداری کنید *

« نخستین پادشاهی که به منظم بودن فرمان‌ها سوسی توجه کرد فرد ریک بزرگ
پادشاه پروس بود که شعاری بسیار کهن (نظم بجای بی‌نظمی) ORDO AB CHAO را در
سر لوحه بزرگ قانون اساسی کهن و پذیرفته شده نوشتید *ممنون بنور علیزاده*
در زمانی که یکی از لژهای پرلین روز تولد فرد ریک بزرگ را جشن گرفت
پادشاه نامه‌ای به مسئولان لژ نوشت و پس از اظهار خشنودی و قدردانی از کار
برادران خود افزود: "..... انجمنی که همت خود را منحصر به افشاندن
بذر عنس‌های اخلاقی میهن پرستی و شاه دوستی و سایر ساختن نهال این عنس‌ها
در کشور من کرده است میتواند همیشه از حمایت من برخوردار باشد. "*
[تجداد ۱۴ فوریه ۱۹۷۷]

شاهنشاه

لژ بزرگ ایران و شورای عالی ایران نیز جزا افشاندن بذر عنس‌های اخلاقی بسا
و با رور ساختن نهال درست اندیشی و دستکاری و نیکخواهی در کشور شاهنشاهی ایران
هدف دیگری ندارند و همین علت بوده است که تا امروز از حمایت شاهنشاه
آریامهر برخوردار بوده اند *

۴۱۷۱۱۸/۱

۳

نمایندگان مجلس ملی که عضو لژ های فراماسونر بودند!

خیلی محرمانه

صفحه دو از دو صفحه

رئیس کمیسیون دادگستری	خ - مهدی شیخ الاسلامی
کشور	ط - محمود روحانی
محاسبات	ظ - حسن مصطفوی نائینی
مخبر کمیسیون اطلاعات	۲ - هیئت رئیسه کمیسیون
اقتصاد	الف - سیف اله وحید نیا
آموزش و پرورش	ب - کاظم کبیری
مخبر کمیسیون پست و تلگراف	پ - اسداله موسوی ماکوئی
نایب رئیس کمیسیون بهداشتی	ت - امین غنی
نایب رئیس کمیسیون تحقیق	ث - ولیمون بین منصور
نایب رئیس کمیسیون دادگستری	ج - جواد مهدی
مخبر کمیسیون دادگستری	د - فضل اله کاسی
مخبر کمیسیون راه	ذ - حسن متین
کمیسیون فرهنگ و هنر	ر - رحمت الله فروهر
مخبر کمیسیون کشور و محاسبات	ز - فیروز دل
نایب رئیس کمیسیون همکاری مجلسین	س - مصطفوی
مخبر کمیسیون همکاری مجلسین	ر - محمد بهنیا
سخنگوی حزب ایران نون رئیس کمیته نمایندگان حزب	ص - ناصر عجم
ایران نون - ج	فر - محسن خواجهنوری

۲۲۷
بازرسی
۲۹۱۴۹
ضمیمه شماره ۱
بازرسی شد
خیلی محرمانه
۲۲۷/۱۰۱

نقش بهائیت همراه با فراماسونری در پهلوی



سید حسن امامی

سیدحسن امامی (امام جمعه) که آخرین امام جمعه تهران در دوران حکومت 57 ساله پهلوی است؛ در سال 1282 شمسی در تهران به دنیا آمد. عالیتهای سیاسی وی مربوط به عضویت او در لژهای فراماسونری است. در سال 1343 به همراه جعفر شریف امامی یک لژ فراماسونری به نام لژ نور را تشکیل داد. جریان این واقعه از این قرار بود که شریف امامی بعد از نخست‌وزیری هویدا به سمت فراماسونری روی آورد. شریف امامی پیش از آن نیز در زمان نخست‌وزیری اش در تشکیلات فراماسونری کریستوفر اسحق فری (یهودی الاصل)، استاد اعظم بهائیان در ایران، بود و با تسلط بر لژهای ماسونی، آنچه استاد اول می‌گفت عمل می‌کرد. در یکی از گزارش‌های ساواک در این زمینه چنین آمده که: چون از لحاظ

سند مربوط به امامی (خطیب نماز جمعه ی تهران) و شریف امامی برای فراماسونری

<p style="text-align: center;">بخش پنجمی حفاظتی مؤرخان شیر</p> <p>۷ - منبع - ۲۴۸۲</p> <p>۸ - منشأ</p> <p>۹ - تاریخ وقوع</p> <p>۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع</p> <p>۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر مبنای اسناد معتبر ۱۳۰۲ / ۱۲</p> <p>۱۲ - ملاحظات حفاظتی</p>	<p style="text-align: center;">فراماسونری</p> <p>۳۲۱</p> <p>۴۵۲ / ۳۱۹۹۸</p> <p>۴۶ / ۱۶ / ۱۵</p>
---	---

مذاکرات تلفنی مورخه ۱۳۰۲ / ۱۲

فراماسونری

پیر ارتشکله لژیونر ایران که آقای جعفر شریف امامی بست رئیس این لژ انتخاب گردیده است . آقایان ساعد مرانه ای نخست وزیر سابق و دکتر امامی امام جمعه تهران بست معاونین تسبیحات فراماسونری تعیین گردیده اند .

سریه ۴۲۰ - با احتمال ۹۰ درصد خبر فوق تاثیر میگردد . ب

دانتس

۱۳۰۲ / ۱۲ / ۱۵
۳۲۱

(۲)

۲۱۷۰

۲۱۷۰۴۵

انواع لژها در ایران

لژ بیداری ایران ، لژ همایون و باشگاه حافظ ، لژ روشنایی، لژهای تابع قانون اساسی گراند لژ ناسیونال فرانسه در ایران(لژ مولوی ، لژ سعیدی ، لژ حافظ ، لژ مزاد ، لژ لافرانس ، لژکسری ،) ، لژهای تابع قانون اساسی اسکاتلند در ایران (لژ تهران ، لژ خیام ، لژ کوروش ، لژ اصفهان ، لژ خوزستان ، لژ ژاندراک ، لژ نور ، لژ آریا)، لژهای وابسته به تشکیلات فراماسونری آمریکا در ایران (انجمن تسلیح اخلاقی ، روتاری کلوپ ، جمعیت برادران جهانی ، باشگاه لانیز) ، لژهای تابع اتحادیه لژهای آلمان در ایران (لژ مهر ، لژ ستاره سحر) و....

بعد از انقلاب اسلامی، تمامی لژ های فراماسونری برچیده شده و تمامی اعضای آن یا متواری و یا اعدام شدند!

منابع:

منابع تاریخچه فراماسونری و مصر و سوریه و لبنان و فلسطین و عراق

1-رائین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران جلد 1 ص 603 و 604

2-رائین، پیشین ج 1 141

3-زر سالاران یهودی و پارسی استعمار ایران و بریتانیا ج 4 ص 21

4-تاریخ آغازین فراماسونری در ایران ج 1 ص 38

5-مجله ی دانستنیها شماره ی 127 ص 40

6-تبار ابلیس به قلم سید وحید حسینی

7-سایت راسخون

منابع ترکیه و ایران (پهلوی)

1-حجاج، نویهض- پروتکل های دانشوران صهیون؛ برنامه عمل صهیونیسم

جهانی، ترجمه حمیدرضا شیخی،

2-مشهد: انتشارات آستان قدس، چاپ دوم، ۱۳۸۱

3-حسان، حلاق، نقش یهود و قدرت های بین المللی در خلع سلطان عبدالحمید، از

سلطنت (۱۹۰۸-۱۹۰۹)

4-برگردان حجت الله جودکی و احمد درویش، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ

معاصر ایران، ۱۳۸۰

5-هارون یحیی، شوالیه های معبد؛ مبانی نظری فراماسونری جهانی، تهران: نشر

،(هلال، ۱۳۸۶ و گروه تحقیقات علمی ترکیه (هارون یحیی

6-مبانی فراماسونری، ترجمه جعفر سعیدی. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب

اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۴

7-محسن، فرسای، براندازی صهیونیستی (در امپراتوری عثمانی)، تهران: نشر

هلال، ۱۳۸۸

- 8- کرینستون، جولیوس، انتظار مسیح در دین یهود، ترجمه حسین توفیقی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷
- 9- عبدالله شهبازی، زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، جلد دوم، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸
- 10- سلطان عبدالحمید دوم، صلاح‌الدین و... افول اقتدار عثمانی، مترجم اصغر دلبری‌پور، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ضریح، ۱۳۷۷
- 11- محمد، محلاًء، اليهود فی الدولة التركیه، مجلة اتحادیه نویسندگان عرب، شماره ۶۶۹، ۱۹۹۹/۷/۲۴
- 12- ساکنان و صاحبان اولیه و اصلی سرزمین فلسطین، مجلة دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۱، پاییز ۱۳۸۲
- 13- رد پای فراماسونری در دولت ترکیه، منصورى، ۹۱/۱۱/۴
- 14- جیمز پتراس، نفوذ اسرائیل در امریکا، مترجم غدیر نبی‌زاده، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
- 15- ماهنامه زمانه، سال سوم، شماره ۲۵، مهرماه ۱۳۸۳، ص ۹۰
- 16- روزنامه کیهان، ۱۳۹۱/۷/۱۵، شماره ۲۰۳۲۴، صفحه آخر
- <http://azar-abadegan.blogfa.com>
www.mashregnews.ir/fa/news
<http://fa.wikipedia.org>
<http://jalalebajalal.blogfa.com>
www.masafportal.com
www.istamweb.net/aqeda
<http://hanein.inf/vb>
www.taamolnews.ir/fa/news
<http://johnlock.persianblog.ir>
- رائین، فراموشخانه و فراماسونری در ایران جلد 1 ص 603 و 604
<http://feraq.ir/>

منابع ایران (قاجار)

- 1- کتیرایی، محمود؛ فراماسونری در ایران «از آغاز تا تشکیل لژ بیداری ایران»؛ تهران: نشر اقبال، چاپ دوم، 1355، ص 4
- حائری، عبدالهادی؛ تاریخ جنبش‌ها و تکاپوهای فراماسونگری در کشورهای اسلامی؛ مشهد: آستان قدس رضوی، 1368، صص 14 – 13
- 2- پل نندن؛ فراماسونری؛ پاریس: 1963، ص 5. همان، ص 3
- 3- شهبازی، عبدالله؛ زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران؛ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، 1377، ج 4، ص 59
- 4- رایت، سردنیس؛ دو قرن نیرنگ، تألیف و ترجمه: محمود طلوعی؛ تهران: نشر علم، 1380، صص 523-524
- 5- فردوست، حسین؛ ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ ج 2، تهران: انتشارات اطلاعات، 1371، ص 62
- 6- نفیسی، سعید؛ نیمه راه بهشت؛ ص 48 به نقل از کتیرایی، پیشین، ص 153
- 7- محمود، محمود؛ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس؛ ج 5، تهران: نشر اقبال، ص 1219
- 8- فراماسونری پیرامون سازمان مخفی فراماسونری در ایران و جهان، محمد خاتمی، مرکز اطلاع رسانی غدیر
- 9- معماران تباهی، ج 1 تا 4، دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، انتشارات کیهان، 1368
- 10- اسرار انجمن‌های محرمانه، رنه آلو، ترجمه ناصر موفقیان، نشر شبابویز 1368
- 11- درآمدی بر تاریخ فراماسونری در ایران، حامد الگار، ترجمه یعقوب آژند،

نشر گسترده، 1360

12- فراماسونری در ایران، محمود کتیرایی، نشر اقبال، 1347

13- فراموش‌خانه و فراماسونری در ایران، اسماعیل رایین، نشر امیرکبیر، 1357